

خوانشی چندوجهی از شخصیت امام خمینی(ره) در آینه زبان بدن

علی زارعی^۱

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف رمزگشایی از ابعاد چندوجهی شخصیت امام خمینی(ره) از طریق تحلیل نظام‌مند زبان بدن ایشان انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: مقاله با رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) و بهره‌گیری از تحلیل محتوای اسناد بصری (فیلم و عکس) و مکتوب (خاطرات) صورت گرفت. چارچوب نظری پژوهش تلفیقی از نظریه کاریزمای وبر، حرکت‌شناسی بردویستل، حالات چهره اکمن و فرایزن و پروکسمیک هال است. در بخش کمی، تحلیل بر روی نمونه‌ای شامل ۳۰۰ تصویر منتخب انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشانگر یک نظام ارتباطی پویا در زبان بدن امام(ره) با سه الگوی اصلی است: نخست، وجه «جلالی» که با نگاه نافذ، ژست‌های تأکیدی و قامت استوار، اقتدار و قاطعیت سیاسی را بازنمایی می‌کند؛ دوم، وجه «جمالی» که با کاهش فاصله، تبسم و تماس فیزیکی، رأفت و صمیمیت را در تعاملات مردمی نشان می‌دهد؛ و سوم، «بستر عبودیت» که به‌عنوان حالت پایه با فراوانی ۵۵ درصد، از طریق نگاه متواضعانه و سکون بدنی، منشأ معنوی و توازن‌بخش دو وجه دیگر است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد کاریزمای امام(ره) نه ویژگی ثابت ذاتی، بلکه فرایندی اجرایی و زمینه‌مند است که در آن خشوع معنوی به اقتدار سیاسی و رأفت اجتماعی ترجمه می‌شود. زبان بدن در این میان نقش واسطه اساسی و آینه تمام‌نمای این فرآیند پیچیده ارتباطی و رهبری کاریزماتیک است.

کلیدواژه‌ها: مرحوم حلبی، امام خمینی(ره)، انقلاب اسلامی، انجمن حجتیه، حکومت اسلامی

مقدمه

فهم شخصیت رهبران تاریخ‌ساز، به ویژه آنانی که منشأ تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی بوده‌اند، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی حوزه‌های علوم سیاسی، تاریخ و جامعه‌شناسی بوده است. این کنکاش، اغلب بر تحلیل میراث مکتوب، سخنرانی‌های رسمی و سیره عملی ثبت‌شده آنان متمرکز است. با این حال، بُعد مهمی از ارتباط و تأثیرگذاری این شخصیت‌ها در ساحت «حضور فیزیکی» و «ارتباطات غیرکلامی»^۱ نهفته است که معمولاً از نگاه تحلیل‌گران دور می‌ماند. زبان بدن، به‌مثابه یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های این نوع ارتباط، صرفاً مجموعه‌ای از حرکات تصادفی نیست، بلکه مجموعه نشانه‌ای است که می‌تواند احساسات، نیات و حتی ابعاد پنهان شخصیت را به شکلی مؤثرتر از کلمات آشکار سازد (ریچموند، ۲۰۰۸: ۸۱؛ لویس، ۲۰۰۱: ۹).

در عرصه سیاست، این زبان خاموش، قدرتی دوچندان می‌یابد. کنشگران سیاسی، همواره در تلاش برای مدیریت تصویر عمومی خود از طریق گفتار هستند، اما زبان بدن اغلب به‌عنوان یک «متن ناخودآگاه»، حقیقت مواضع و حالات درونی آنان را برملا می‌کند. این ابزار غیرکلامی، گاه به‌صورت آگاهانه برای ارسال پیام‌های ظریف سیاسی به‌کار گرفته می‌شود، اما در بیشتر مواقع، بازتابی صادقانه از واکنش‌های عاطفی و روانی فرد در یک موقعیت مشخص است (کونکه، ۲۰۱۵: ۶-۳۵؛ عطاشی و عموری، ۲۰۱۷: ۱۴۶-۱۴۹). از این‌رو، تحلیل ارتباطات غیرکلامی به ابزاری کلیدی در مطالعات رهبری و روانشناسی سیاسی بدل شده است که به‌واسطه آن می‌توان از لایه‌های سطحی بیانات رسمی عبور کرد و به درکی عمیق‌تر از شخصیت کنشگران دست یافت.

این چارچوب تحلیلی، ضرورت خود را در مواجهه با شخصیت پیچیده و چندوجهی امام خمینی(ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بیش از پیش آشکار می‌سازد. ایشان به‌عنوان رهبری که کاریزمای معنوی را با اقتدار سیاسی درآمیخته بود، در حافظه تاریخی ملت ایران و جهان با تصاویری ماندگار ثبت شده‌اند که آمیزه‌ای از صلابت، قاطعیت، آرامش، و رأفت را به نمایش می‌گذارد. علی‌رغم وجود پژوهش‌های گسترده پیرامون اندیشه و سیره ایشان، شکافی پژوهشی در زمینه تحلیلی نظام‌مند و مبتنی بر نظریه، در حوزه ارتباطات غیرکلامی ایشان وجود دارد. مطالعات موجود یا به توصیفات کلی و خاطره‌نگاری محدود شده‌اند یا فاقد چارچوب نظری منسجم برای رمزگشایی از این «متن تصویری» غنی هستند.

بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش، گذار از سطح توصیف و حرکت به سوی تحلیلی تفسیری و عمیق از زبان بدن امام خمینی(ره) است. این تحقیق بر این فرض استوار است که الگوهای زبان بدن ایشان در موقعیت‌های گوناگون - از یک سخنرانی در برابر مقامات کشوری یا بین‌المللی تا یک دیدار صمیمانه با عموم مردم یا لحظات خلوت شخصی - حاوی دلالت‌های معنایی متفاوتی است. تفاوت در نحوه نگاه، حرکات

دست، سکوت‌ها و حالت نشستن، صرفاً تفاوت‌هایی رفتاری نیستند، بلکه نشانه‌هایی هستند که به فهم ابعاد گوناگون آن «شخصیت چندوجهی» (سیاسی، معنوی، عاطفی و اجتماعی) یاری می‌رسانند. بنابراین، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال محوری است که الگوهای غالب و تکرارشونده در زبان بدن امام خمینی(ره) در موقعیت مختلف کدامند و این الگوهای متمایز، چگونه به صورت نشانه‌شناختی، ابعاد چندوجهی شخصیت ایشان را بازنمایی می‌کنند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله حاضر رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) اتخاذ می‌کند. در بخش کیفی، با تحلیل محتوای عمیق اسناد بصری (فیلم‌ها و عکس‌های آرشیوی) و کمک از اسناد مکتوب (خاطرات)، الگوهای رفتاری شناسایی می‌شوند. در بخش کمی، فراوانی این الگوها در نمونه‌ای متشکل از ۳۰۰ تصویر، محاسبه و تحلیل می‌گردد.

پیشینه پژوهش

تحلیل ارتباطات غیرکلامی و به‌ویژه زبان بدن، به‌مثابه ابزاری برای رمزگشایی از پیام‌های ناگفته و لایه‌های عمیق شخصیتی، توجه پژوهشگران علوم انسانی را به خود جلب کرده است. بررسی پیشینه موجود نشان می‌دهد که تحقیقات در این حوزه عمدتاً بر سه محور اصلی متمرکز بوده‌اند: تحلیل شخصیت‌های معاصر، بازخوانی متون تاریخی، و تحلیل تصاویر تاریخی.

در حوزه تحلیل شخصیت‌های سیاسی-مذهبی، پژوهش‌ها کوشیده‌اند تا از طریق اسناد تصویری، به فهمی عمیق‌تر از سبک رهبری دست یابند. برای نمونه، غفرانی و محمدی (۲۰۲۱) در تحلیل زبان بدن شهید آیت‌الله مدنی، نشان می‌دهند که چگونه عناصر غیرکلامی ایشان بازتاب‌دهنده‌ی تلفیقی از «جدیت و اعتماد به نفس» و «خشوع و خضوع» است و می‌تواند ملهم از الگوهای دینی باشد. محور دوم، معطوف به بازخوانی متون کهن از منظر کنش‌های غیرکلامی بوده است؛ چنان‌که باقری خلیلی و زلیکانی (۲۰۱۵) با بررسی تاریخ بیهقی، کارکرد استراتژیک زبان بدن در سیاست کلاسیک ایرانی را به‌عنوان یک «فرازبان» سیاسی برای انتقال پیام‌های ناگفتنی آشکار ساختند. محور سوم نیز بر تحلیل اسناد بصری مانند عکس‌ها و نقاشی‌ها تمرکز داشته است. پژوهش‌هایی نظیر کار شهیدی رضوی و حسنی (۲۰۱۷) بر عکس‌های پادشاهان قاجار و کتاب حسنی و ضیایی (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که ژست‌ها چگونه در خدمت نمایش «جلال و شوکت» حاکمان به‌کار گرفته می‌شدند و ویژگی‌های روانی آنان را آشکار می‌ساختند.

مرور انتقادی این پژوهش‌ها، ظرفیت تحلیلی زبان بدن را برای فهم ابعاد گوناگون شخصیت اثبات می‌کند. با این حال، با وجود اهمیت بی‌بدیل شخصیت امام خمینی(ره) به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین رهبران قرن بیستم که کاربزمای ایشان نقشی محوری در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمود، یک شکاف پژوهشی آشکار در این زمینه به چشم می‌خورد. از این‌رو، مقاله حاضر می‌کوشد با قرار گرفتن در این شکاف، برای نخستین بار به صورت متمرکز و نظام‌مند، به تحلیل زبان بدن امام خمینی(ره) بپردازد. نوآوری این پژوهش

در موضوع بکر آن و رویکرد تحلیلی اش نهفته است که می‌کوشد با رمزگشایی از الگوهای غیرکلامی ایشان در موقعیت‌های متضاد (اقتدار و رأفت)، به یک خوانش چندوجهی از شخصیت و سبک رهبری ایشان دست یابد و درک ما را از ابعاد کاریزمای ایشان عمیق‌تر سازد.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

تحلیل شخصیت یک رهبر سیاسی - معنوی از دریچه زبان بدن، مستلزم ایجاد پیوندی میان سه حوزه نظری کلیدی است: جامعه‌شناسی سیاسی (برای فهم پدیده کاریزما)، مطالعات ارتباطی (برای رمزگشایی از پیام‌های غیرکلامی) و روان‌شناسی اجتماعی (برای درک هیجانات). این پژوهش با تلفیق این حوزه‌ها، چارچوب نظری خود را بر پایه‌ای چندوجهی استوار می‌سازد.

نقطه عزیمت تحلیل، مفهوم «کاریزما» از ماکس وبر^۱ (۱۹۷۸: ۲۴۱) است که آن را قدرتی استثنایی و یک «رابطه اجتماعی» می‌داند که باید توسط پیروان به رسمیت شناخته شده و از طریق اثبات مداوم، حفظ گردد (۵۳-۲۴۲، Ibid). این «اثبات» صرفاً کلامی نیست و در کنش‌های بدنی رهبر نیز تجلی می‌یابد. بنابراین، زبان بدن یکی از بسترهای اصلی «اجرا» و «بازتولید» کاریزماست و تحلیل آن برای درک کاریزمای امام خمینی(ره) ضروری است.

لازم به تأکید است که مفهوم «کاریزما» در اندیشه ماکس وبر، ابزاری تحلیلی در قالب «تیپ ایده‌آل» است و نه یک داور هنجاری یا ارزشی. توصیف کاریزما به‌عنوان صورتی از اقتدار فرابروکراتیک یا به‌اصطلاح «غیرعقلانی» در آثار وبر، ناظر بر تمایز تحلیلی آن از اقتدار عقلانی - قانونی است و صرفاً به منطق مشروعیت این نوع سلطه اشاره دارد. از این منظر، کاریزما یک «رابطه اجتماعی» است که در بستر تعاملات نمادین میان رهبر و پیروان شکل می‌گیرد، نیازمند بازتولید مداوم است و می‌تواند در فرآیندی تاریخی دچار نهادینه‌شدن و روزمره‌شدن گردد. از آنجا که این بازتولید، صرفاً در سطح گفتار رخ نمی‌دهد، کنش‌های بدنی و الگوهای ارتباط غیرکلامی رهبر به یکی از بسترهای اصلی «اجرا» و تثبیت کاریزما بدل می‌شود؛ چنان‌که مقاله حاضر نیز با پایبندی به همین خوانش جامعه‌شناختی غیرهنجاری، از مفهوم کاریزما بهره می‌گیرد.

برای این منظور، پژوهش از ابزارهای «مطالعات ارتباطات غیرکلامی» بهره می‌گیرد. بر اساس دانش «حرکت‌شناسی» ری بردویستل^۲، حرکات بدن و ژست‌ها، ساختارمند و معنادار هستند و نه تنها هیجانات، بلکه روابط اجتماعی و هویت را نیز تنظیم می‌کنند (بردویستل، ۱۹۷۰: ۳۵-۳۷). به‌طور خاص، «چهره» به عنوان کانونی‌ترین بخش انتقال پیام، اهمیت ویژه‌ای دارد. نظریه پل اکمن و والاس فرایزن^۳ (اکمن و فرایزن، ۱۹۷۱: ۱۲۴-۱۲۷)، درباره هیجانات اصلی با حالات چهره جهان‌شمول و تمایز میان «نمایش‌های

1. Weber

2. Birdwhistell

3. Ekman & Friesen

عاطفی» و «ژست‌های نمایشگر» (اکمن و فرایزن، ۱۹۶۹: ۶۸)، به ما امکان می‌دهد تا حالات چهره امام خمینی(ره) را به‌مثابه کنش‌های ارتباطی معنادار تحلیل کنیم.

در نهایت، هیچ تحلیل ارتباطی بدون در نظر گرفتن «فضا» و «فاصله» کامل نیست. ادوارد تی. هال^۱ در اثر کلاسیک خود، *بعد پنهان*، با ابداع واژه «پروکسمیک»،^۲ به مطالعه نحوه استفاده انسان از فضا به‌عنوان یک محصول فرهنگی پرداخت. هال نشان داد که فاصله فیزیکی بین افراد (فاصله صمیمی، شخصی، اجتماعی و عمومی) سرشار از معناست و قواعد نانوشته‌ای بر آن حاکم است. تغییر در این فاصله‌ها می‌تواند پیام‌هایی قدرتمند درباره رابطه، قدرت و صمیمیت ارسال کند (هال^۳، ۱۹۶۶: ۱۲۴-۱۰۷). هال به چهار منطقه متمایز اشاره دارد که در جدول ذیل این فواصل‌ها، شرح داده شده‌اند.

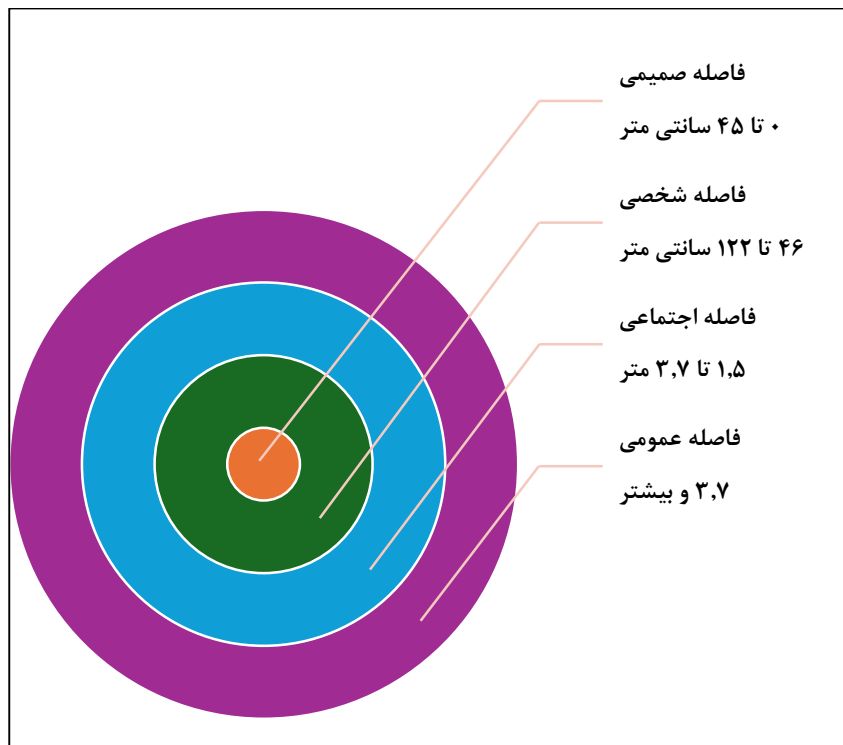
جدول ۱: تفسیر فواصل فرد با اطرافیان بر اساس نظریه هال

۱	فاصله صمیمی	فاز نزدیک - کمتر از ۶ اینچ (۱۵ سانتی‌متر)
		فاز دور - ۶ تا ۱۸ اینچ (۱۵ تا ۴۶ سانتی‌متر)
۲	فاصله شخصی	فاز نزدیک - ۱،۵ تا ۲،۵ فوت (۴۶ تا ۷۶ سانتی‌متر)
		فاز دور - ۲،۵ تا ۴ فوت (۷۶ تا ۱۲۲ سانتی‌متر)
۳	فاصله اجتماعی	فاز نزدیک - ۴ تا ۷ فوت (۱،۲ تا ۲،۱ متر)
		فاز دور - ۷ تا ۱۲ فوت (۲،۱ تا ۳،۷ متر)
۴	فاصله عمومی	فاز نزدیک - ۱۲ تا ۲۵ فوت (۳،۷ تا ۷،۶ متر)
		فاز دور - ۲۵ فوت (۷،۶ متر) یا بیشتر.

1. Edward T. Hall

2. Proxemics

3. Hall



شکل ۱: تفسیر فواصل فرد با اطرافیان بر اساس نظریه هال

از این رو، تحلیل فاصله فیزیکی امام خمینی (ره) با اقشار مختلف مردم و مسئولان، بُعد مهمی از تحلیل زبان بدن ایشان را تشکیل می‌دهد.

لازم به ذکر است در تحلیل نشانه‌شناختی این پژوهش، تفکیک میان «ساختار محیطی» (محدودیت‌های اعمال شده توسط تیم حفاظت و تشریفات) و «سطوح کنش‌گری فردی» حائز اهمیت است. اگرچه در برخی موقعیت‌های عمومی (در چارچوب نظریه پروکسمیک هال)، فاصله فیزیکی اولیه می‌تواند متأثر از ملاحظات امنیتی و تشریفاتی باشد، یافته‌های این پژوهش بر «مدیریت فضا» در سطح کنش ارتباطی سوزه تمرکز دارد. مواردی همچون «نقض پروتکل‌های مرسوم» (مانند عدم مصافحه در دیدارهای دیپلماتیک)، «دعوت فعالانه به حریم شخصی» (خم شدن به سمت کودکان یا دراز کردن دست به سوی جمعیت علی‌رغم موانع حفاظتی) و «کنترل حالات چهره» (که از نظر ارتباطی غیرقابل مداخله توسط دیگران است)، نشان می‌دهد که الگوهای مشاهده شده نه صرفاً پیامد تصادف یا تحمیل ساختاری، بلکه قابل تفسیر به‌عنوان الگوهای پایدار کنش ارتباطی هستند.

بنابراین، این پژوهش با قرار دادن «کاربزمای وبر» به‌عنوان بستر اصلی، از سه ابزار تحلیلی مکمل استفاده می‌کند: حرکت‌شناسی بردویستل برای تحلیل حرکات بدن، نظریه اکمن و فرایزن برای رمزگشایی

چهره، و پروکسمیک هال برای درک معنای فضا. این چارچوب ترکیبی، ابزاری برای تحلیلی عمیق و نظام‌مند از زبان بدن امام خمینی(ره) به‌مثابه آینه شخصیت و منبع بازتولید کاریزمای ایشان فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف دستیابی به خوانشی عمیق و چندبعدی از زبان بدن امام خمینی(ره)، از رویکرد پژوهش ترکیبی^۱ با طرح تبیینی متوالی^۲ بهره می‌برد. در این طرح، ابتدا یک مرحله کیفی گسترده برای شناسایی و تفسیر الگوهای ارتباط غیرکلامی انجام شد و سپس در مرحله دوم، یک تحلیل کمی برای سنجش فراوانی و تکرارپذیری الگوهای کشف‌شده به کار گرفته شد.

در مرحله کیفی، استراتژی اصلی تحلیل محتوای کیفی تفسیری بود. جامعه یا محدوده پژوهش^۳ در این بخش شامل اسناد بصری (عکس‌ها و فیلم‌های آرشیوی) در دسترس و برخی از منابع مکتوب (خاطرات منتشرشده نزدیکان، خبرنگاران و دیپلمات‌های خارجی) مرتبط با حیات اجتماعی و سیاسی امام خمینی(ره) در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ شمسی است. این دوره، از سال منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا زمان رحلت ایشان را در بر می‌گیرد و مهم‌ترین دوره رهبری سیاسی و اجتماعی ایشان محسوب می‌شود. نمونه‌گیری در این مرحله به‌صورت هدفمند و مبتنی بر نظریه انجام شد تا اطمینان حاصل شود که تنوع کاملی از موقعیت‌های ارتباطی- شامل سخنرانی‌های عمومی مقتدرانه، دیدارهای رسمی دیپلماتیک، تعاملات صمیمی و عاطفی با مردم و خانواده، و حالات فردی و عبادی- پوشش داده می‌شود. برای افزایش اعتبار^۴ و عمق تفسیر در این مرحله، از استراتژی سه‌سوسازی^۵ بهره گرفته شد که شامل سه‌سوسازی داده‌ها (تلفیق داده‌های حاصل از عکس، فیلم و خاطرات) و سه‌سوسازی نظری (تفسیر داده‌ها از طریق چارچوب ترکیبی وبر، بردویستل، اکمن و هال) بود.

در مرحله کمی، که هدف آن سنجش فراوانی الگوهای کشف‌شده در مرحله کیفی بود، یک تحلیل محتوای کمی بر روی یک نمونه معرف انجام گرفت. از آنجا که تحلیل کل آرشیو بصری ممکن نبود، نمونه‌ای متشکل از ۳۰۰ تصویر به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌بندی‌شده^۶ از همان بازه زمانی (۱۳۵۷-۱۳۶۸) انتخاب گردید. در این روش، تصاویر به‌گونه‌ای انتخاب شدند که بازتاب‌دهنده نسبت تقریبی موقعیت‌های مختلف (عمومی، خصوصی، رسمی) در کل آرشیو باشند. در این بخش، متغیرها همان الگوهای کیفی (مانند نگاه نافذ، تبسم، ژست تأکیدی) بودند و فراوانی وقوع آن‌ها به‌صورت عددی شمارش و تحلیل شد.

1. Mixed-Methods
2. Explanatory Sequential Design
3. Corpus
4. Validity
5. Triangulation
6. Purposive Stratified Sampling

فرآیند تحلیل داده‌ها در هر دو مرحله در یک توالی سه‌گانه ساختارمند انجام شد: ۱) توصیف عینی داده‌های بصری و متنی؛ ۲) کدگذاری و تحلیل هر نشانه در پرتو زمینه موقعیتی و چارچوب نظری؛ و ۳) تلفیق و تفسیر نهایی یافته‌ها برای استخراج الگوهای کلان حاکم بر زبان بدن ایشان و تبیین ارتباط آن با مفهوم کاریزمای چندوجهی.

تحلیل یافته‌های پژوهش

تحلیل کیفی و نشانه‌شناختی داده‌های بصری و مکتوب، آشکار می‌سازد که زبان بدن امام خمینی (ره) یک نظام ارتباطی پیچیده و استراتژیک بوده است که بر اساس زمینه و مخاطب، کارکردهای متفاوتی می‌یافت. یافته‌های اصلی، یک ساختار سه‌گانه را در کاریزمای ایشان شناسایی می‌کند: نخست، وجه «جلالی» یا کاریزمای مبتنی بر اقتدار که در موقعیت‌های رسمی و سیاسی به کار گرفته می‌شد؛ دوم، وجه «جمالی» یا کاریزمای مبتنی بر رأفت که در تعاملات صمیمانه با مردم و خانواده تجلی می‌یافت؛ و سوم، بستر بنیادین «خشوع و عبودیت» که به عنوان منبع قدرت درونی، هر دو وجه پیشین را تغذیه و متعادل می‌کرد. تحلیل‌های بعدی، هر یک از این الگوهای ارتباطی را با استناد به نمونه‌های موردی و چارچوب‌های نظری تشریح خواهند کرد.

الگوی اول: کاریزمای مبتنی بر اقتدار و صلابت (وجه جلالی)

بر اساس مبانی نظری ارتباطات غیرکلامی، اقتدار و صلابت از طریق سه اصل کلیدی تجلی می‌یابد. نخست، اعتماد به نفس و تمرکز در چهره و نگاه که از طریق نگاه مستقیم و پایدار، کنترل بر موقعیت را به نمایش می‌گذارد و چهره‌ای مصمم و متمرکز به پیام کلامی اعتبار می‌بخشد (بورگون^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۵۲-۱۵۶؛ اکمن و فرایزن، ۱۹۷۵: ۵۱-۵۴). دوم، ثبات و تسلط در استقرار بدن؛ قامتی استوار با بدنی آرام و فاقد حرکات اضافی، نشانه‌ای از تسلط کامل بر خود و کنترل شرایط محیطی است (مهرابیان، ۱۹۷۲: ۲۴۱-۲۴۵؛ بورگون، ۲۰۱۶: ۱۴۸). سوم، وقار و سنجیدگی در حرکات؛ رهبران با پرهیز از شتابزدگی و استفاده از حرکات کنترل‌شده و هدفمند، جدیت و وقار خود را به نمایش گذاشته و به هر ژست، معنایی ویژه می‌بخشند (گومن^۲، ۲۰۰۸: ۵۷-۶۰). در ادامه، تجلی این اصول بنیادین در زبان بدن امام خمینی (ره) در سه عرصه کلیدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) کاریزمای مبتنی بر اقتدار در عرصه عمومی (مطالعه موردی: سخنرانی بهشت زهرا)

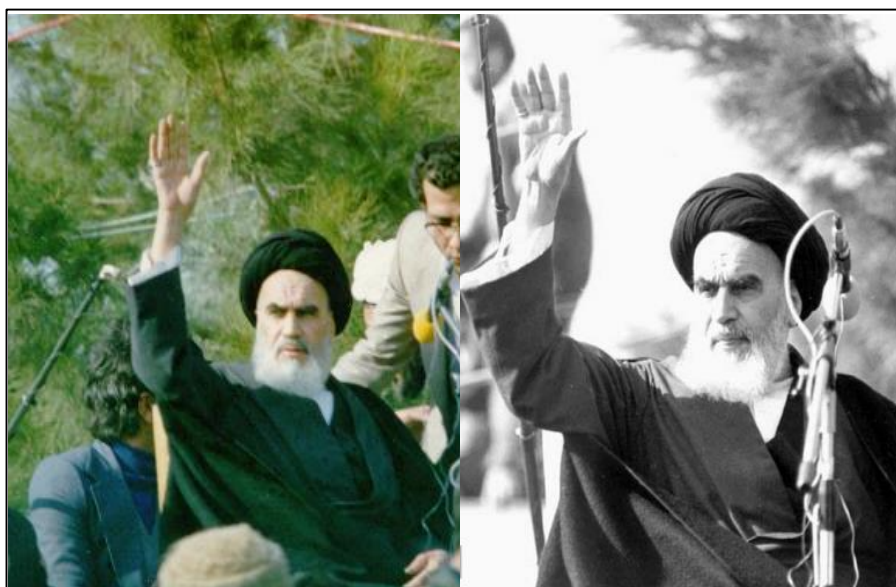
نخستین و برجسته‌ترین وجه کاریزمای امام خمینی (ره)، «کاریزمای مبتنی بر اقتدار» است که در عرصه‌های سرنوشت‌ساز عمومی، همچون سخنرانی‌های تاریخی و مدیریت بحران‌ها، تجلی می‌یابد. در این موقعیت‌ها، زبان بدن ایشان به صورت نظام‌مند، مؤلفه‌هایی چون تمرکز عمیق، جدیت قاطع و اعتمادبه‌نفس تزلزل‌ناپذیر

1. Burgoon

2. Goman

را به نمایش می‌گذاشت. برای تحلیل این سازوکار، رویداد نمادین سخنرانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرا به عنوان یک مطالعه موردی شاخص انتخاب شده است. این رویداد صرفاً یک سخنرانی نبود، بلکه یک «اجرای کاریزماتیک» تمام‌عیار بود که در سه فاز متوالی به صحنه رفت: ۱) تعامل کنترل‌شده در بدو ورود، ۲) خلق سکون مقتدرانه پیش از آغاز کلام، و ۳) تجلی اقتدار پویا در حین ایراد خطابه. هر یک از این فازها، جنبه‌ای از زبان بدن مقتدرانه را آشکار می‌ساخت و در مجموع، روایتی بصری و منسجم از رهبری را شکل می‌داد.

فاز اول: تعامل کنترل‌شده در بدو ورود



تصویر ۱: امام(ره) در بهشت زهرا (۱۲ بهمن ۱۳۵۷) حین پاسخ به احساسات مردم

تصاویر ثبت‌شده از بدو ورود امام(ره) به جایگاه، نمونه‌ای برجسته از «تعامل نامتقارن» و «کنترل کاریزماتیک» را به نمایش می‌گذارند. در پاسخ به ابراز احساسات پرشور جمعیت، ایشان با حرکتی آرام و سنجیده، دست راست را بالا می‌آورند؛ این ژست که به‌مثابه یک پل ارتباطی عمل می‌کند، پاسخی غیرکلامی به «فراخوان» هیجانی جمعیت و نشانه‌ای از قدردانی و همبستگی است (هال و همکاران، ۱۹۹۴: ۴۴؛ لوبو^۱، ۲۰۰۵: ۹۰۳). با این حال، این کنش ارتباطی با فقدان کامل هیجان‌زدگی متقابل همراه است؛ چهره جدی و متمرکز، و قامت استوار باقی می‌ماند. این ثبات بدن به‌مثابه مرز اقتدار، پیامی دوگانه و هوشمندانه را

1. LeBeau

مخبره می‌کند: «من شما را می‌بینم و پاسخ می‌دهم، اما در این دریای احساسات غرق نخواهم شد.» این ترکیب از حرکت همدلانه دست و صلابت چهره و بدن، از همان ابتدا مانع از فروکاستن رهبر به یک شخصیت صرفاً عاطفی شده و جایگاه فرهمند و مسلط او را طبق مفهوم وبری «کاریزما» تحکیم می‌بخشد (وهر، ۱۹۴۷: ۳۵۸؛ هال و همکاران، ۲۰۰۵: ۹۰۵-۹۰۳).

فاز دوم: خلق سکون مقتدرانه پیش از آغاز کلام



تصویر ۲: امام(ره) در بهشت زهرا در انتظار آغاز مراسم سخنرانی

پس از پاسخ اولیه به جمعیت، فاز «سکون استراتژیک» آغاز می‌شود که در آن امام(ره) با قامتی استوار، چهره‌ای متمرکز و بدنی کاملاً ساکن در جایگاه قرار می‌گیرند. این سکون، یک کنش فعالانه است که پیش از بیان هر کلامی، از طریق نمایش تسلط بر خود در دل هیاهو، اقتدار پیشینی را تولید و تثبیت می‌کند (مهرابیان، ۱۹۷۲: ۲۴۱-۲۴۵). این آرامش مطلق در تضاد با آشوب محیط، به طور طبیعی تمام توجهات را به سوی ایشان جلب کرده و به‌عنوان یک تکنیک قدرتمند، فضا را برای بیانات بعدی متمرکز و آماده می‌سازد (نپ^۱ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۶۲). علاوه بر این، سکون کامل، به مثابه بازنمایی بصری «یقین» و «اطمینان قلبی»، پیام تزلزل‌ناپذیری و آرامشی درونی را به جمعیت هیجان‌زده مخبره می‌کند و مفهوم «آرامش در عین طوفان» را عینیت می‌بخشد (گافمن^۲، ۱۹۶۹: ۸۴-۸۸؛ بورگون و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۴۸).

1. Knapp

2. Goffman

فاز سوم: اقتدار پویا (حین ایراد خطابه)



تصویر ۳: تصویر امام(ره) در بهشت زهرا حین سخنرانی

با آغاز سخنرانی، بدن از سکون مطلق به یک «پویایی کنترل شده» وارد می‌شود. در این فاز، حرکات هدفمند دست (مانند انگشت اشاره) به عنوان «تأکیدگر»^۱ عمل کرده و با ایجاد هم‌افزایی میان کلام و بدن، به مفاهیم انتزاعی، قطعیت و وزن بصری می‌بخشد (نپ و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۴۹-۳۵۲). همزمان، حفظ شالوده اصلی زبان بدن (قامت استوار و نگاه متمرکز) تضمین می‌کند که پیام کلامی بر پایه‌ای محکم از صلابت غیرکلامی استوار است و بدن به لنگرگاه معنای کلام تبدیل می‌شود (بورگون و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۵۰). تحلیل این سکانس سه مرحله‌ای نشان می‌دهد که کاریزمای اقتدار امام(ره)، یک فرایند معماری شده بود: ایشان ابتدا با تعامل کنترل شده مرز اقتدار را ترسیم کردند، سپس با سکون پرمعنا توجهات را متمرکز ساختند و نهایتاً بر این بستر آماده، پیام کلامی خود را با اقتداری پویا ارائه دادند. این تحلیل، سازوکار پیچیده ساخت «رهبری» را آشکار می‌کند، جایی که بدن در یک اجرای دقیق و چندمرحله‌ای، حتی در سکوت، به طور مداوم در حال تولید و بازتولید معنای اقتدار است.

ب) ترسیم اقتدار و استقلال در عرصه دیپلماتیک (مطالعه موردی: دیدار با شواردندازه)

تحلیل تعاملات دیپلماتیک امام خمینی(ره) با شخصیت‌های خارجی، یک رویکرد هوشمندانه در استفاده از زبان بدن را آشکار می‌سازد که هدف آن، ترسیم مرزهای استقلال و نمایش اقتدار در برابر قدرت‌های جهانی است. این الگو، که به نوعی ترجمه غیرکلامی سیاست «نه شرقی، نه غربی» بود، در دیدار تاریخی با ادوارد شواردندازه، وزیر خارجه شوروی، به اوج خود رسید. این رویداد، که به یک کلاس درس در دیپلماسی کاریزماتیک و قدرت نرم تبدیل شد، نمونه‌ای برجسته برای تحلیل است. تحلیل جامع این مواجهه مستلزم بررسی سه لایه مکمل و به هم پیوسته است: مدیریت فضا و زمان، زبان بدن حین تعامل، و کنش‌هایی که در امتناع از کنش‌های مرسوم دیپلماتیک (مانند مصافحه) تجلی یافت.

لایه اول: مدیریت فضا و زمان به مثابه ابزار قدرت



تصویر ۴: دیدار شواردندازه نماینده شوروی با امام در جماران

تحلیل لایه عینی تعامل، یعنی «مدیریت فضا و زمان»، یک واژگونی حساب‌شده در پروتکل‌های رایج دیپلماتیک را آشکار می‌سازد. دیدار با شواردندازه در یک اتاق ساده دوازده متری در جماران، با وسایلی کاملاً شخصی (قرآن، جانماز، رادیو) و پذیرایی حداقلی (یک استکان چای با دو حبه قند) برگزار شد. این فضا، نماینده یک ابرقدرت را وادار کرد کفش‌های خود را درآورد و بر روی یک صندلی ساده بنشیند. این ساختارشکنی آگاهانه، از همان ابتدا قواعد بازی را از پروتکل‌های شناخته‌شده بین‌المللی به قواعد میزبان تغییر داد. تقابل آشکار میان «سادگی زاهدانه» میزبان و «تشریفات رسمی» میهمان، قدرت را بازتعریف می‌کرد و این پیام را القا می‌نمود که منبع قدرت رهبر ایران، نه از تجملات مادی، بلکه از جایگاهی معنوی و مردمی نشأت می‌گیرد؛ تأثیری که خود شواردندازه در خاطراتش، با مقایسه این سادگی با «استکبار» و «تشریفات فراوان» صدام، به عمق آن اذعان کرد (پرتال امام خمینی، ۲۰۲۳/۰۲/۲۶) مهم‌تر از آن، تأخیر

حدوداً ربع ساعته و تعمدی امام(ره) در ورود به اتاق، که هیئت میهمان را در سکوت منتظر گذاشت، یک جابجایی نمادین در سلسله مراتب قدرت بود. این کنش در خاطرات شوارندادزه نیز این چنین بازتاب یافته: «ما درست ربع ساعت آنجا منتظر آمدن امام شدیم، برای من تعجب‌آور بود. چرا که من از طرف گورباچف و شوروی آمده بودم، از طرف گرجستان که نیامده بود» (تاریخ شفاهی ایران، ۲۰۲۵). حجت‌الاسلام رحیمیان نیز تأکید می‌کند که امام برخلاف همیشه، در آن روز با تأخیر وارد شدند (رجایی، ۲۰۱۳: ۳۲۶) که نشان از هدفمند بودن این کنش دارد.

لایه دوم: زبان بدن کنترل‌شده و تأثیر روانی آن



تصویر ۵: واکنش امام به سخنران شوارندادزه

تحلیل زبان بدن امام(ره) حین تعامل، تضادی قدرتمند میان اقتدار میزبان و تأثیرپذیری میهمان را به نمایش می‌گذارد. امام(ره) «بدون تأمل و توقف» و «بدون آنکه در چهره کسی نگاه کنند» وارد شده و بر جای خود نشستند؛ در مقابل، طبق روایت شاهدان، «ارتعاش خفیفی» در دستان وزیر خارجه شوروی و لکنت زبان و سرفه‌های مکرر در مترجم مشهود بود (همان). این تضاد آشکار میان آرامش وطمأنینه مطلق بدن امام(ره) و اضطراب و عدم تعادل فیزیکی هیئت میهمان، نشانگر آن بود که قدرت حاضر در اتاق، فراتر از ابعاد سیاسی، جنبه‌ای روانی و کاریزماتیک داشت که مستقیماً بر طرف مقابل تأثیر می‌گذاشت؛ سکون و کنترل کامل بدن امام(ره) منبع اقتدار بود، در حالی که بی‌قراری بدن میهمانان، نشانه قرار گرفتن در موضع ضعف بود. افزون بر این، در طول قرائت پیام، واکنش امام(ره) به چند بار تکان دادن سر محدود می‌شد که می‌توان آن را به‌عنوان یک «گوش دادن فعال» اما «گزینشی» تفسیر کرد. این حرکت، نه به معنای بی‌اعتنایی، بلکه نشان‌دهنده تمرکز مطلق ایشان بر هدف اصلی دیدار و انتظار برای شنیدن محتوای اصلی پیام بود، و واکنش بدنشان نیز صرفاً به همین موضوع محدود باقی ماند.

لایه سوم: کنش نهایی؛ امتناع از مصافحه به مثابه بیانیه سیاسی



تصویر ۶: انتهای جلسه امام با شواردناده

تحلیل «کنش نهایی» که در امتناع از پروتکل‌های مرسوم تجلی یافت، اوج نمایش اقتدار استراتژیک امام(ره) بود. پس از ابراز تأسف کوتاه از محتوای پیام، ایشان بلافاصله برخاسته و با قرار دادن دست خود در پشت کمر، بدون اعتنا به هیئت روس و بدون فراهم کردن مجالی برای دست دادن یا خداحافظی رسمی، به سوی اندرونی حرکت کردند (همان). این امتناع از دست دادن، که مهر تأییدی فیزیکی و نمادین بر پیام کلامی ایشان («این پاسخ نامه من نبود») بود، نارضایتی از تقلیل یک بحث فلسفی-معنوی به روابط مادی را به قاطعانه‌ترین شکل ممکن نمایش داد. فراتر از یک حرکت شخصی، این کنش یک بیانیه سیاسی و مرزبندی ایدئولوژیک بود؛ از آنجا که دست دادن در فرهنگ دیپلماتیک نشانه توافق و به رسمیت شناختن متقابل است، امتناع از آن به معنای رد مبانی ماتریالیسم کمونیستی و تأکید عملی بر سیاست «نه شرقی، نه غربی» بود و نشان می‌داد جمهوری اسلامی حاضر نیست در چارچوب معادلات دو ابرقدرت تعریف شود. جالب آن که این زبان بدن قاطعانه، اثری بلندمدت داشت؛ شواردناده، علی‌رغم احساس توهین اولیه، بعدها با «عظمت» از امام یاد کرد و این دیدار را نقطه عطفی در بهبود روابط و کاهش حمایت از صدام دانست، که نشان می‌دهد این کنش در نهایت به‌عنوان نماد «اصالت» و «قدرت معنوی» درک شد و احترامی عمیق‌تر برانگیخت. در مجموع، دیدار با شواردناده نمونه‌ای کامل از بکارگیری استراتژیک زبان بدن در دیپلماسی است؛ جایی که فضا، زمان، سکون، حرکت و در نهایت یک «کنش امتناعی»، همگی در خدمت انتقال پیامی واحد قرار گرفتند: اقتدار برخاسته از استقلال معنوی و سیاسی که هیچ پروتکل مادی قادر به محدود کردن آن نیست.

ج) دیدارهای رسمی حکومتی (مطالعه موردی: انتصاب دولت و تنفیذ ریاست جمهوری)
سومین عرصه مهم که وجه «جلالی» کاریزمای امام(ره) را به نمایش می‌گذارد، دیدارهای رسمی با مقامات ارشد داخلی و جلسات کلیدی مرتبط با ساختار نظام، مانند انتصاب نخست‌وزیر یا مراسم تنفیذ ریاست جمهوری است. تحلیل این موقعیت‌ها، به‌ویژه با در نظر گرفتن متغیر زمان، یک تطور ظریف اما معنادار را در زبان بدن مقتدرانه ایشان آشکار می‌سازد. این تطور را می‌توان در دو مرحله کلیدی بررسی کرد: دوره تأسیس و استقرار انقلاب، و دوره تثبیت ساختارهای حکومتی.

۱. اقتدار قاطع در دوره تأسیس (قبل از پیروزی کامل و استقرار نهادها):

در تصاویر و فیلم‌های مربوط به روزهای سرنوشت‌ساز پس از ورود به ایران و پیش از تثبیت کامل ساختار جمهوری اسلامی (مانند معرفی مهدی بازرگان به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت)، زبان بدن امام خمینی(ره) نمایانگر اقتدار مطلق و مرکزیت رهبری در دوره گذار است. این زبان بدن برای ایجاد نظم و تثبیت قدرت انقلابی در شرایط بحرانی طراحی شده بود.



تصویر ۷: مراسم معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر

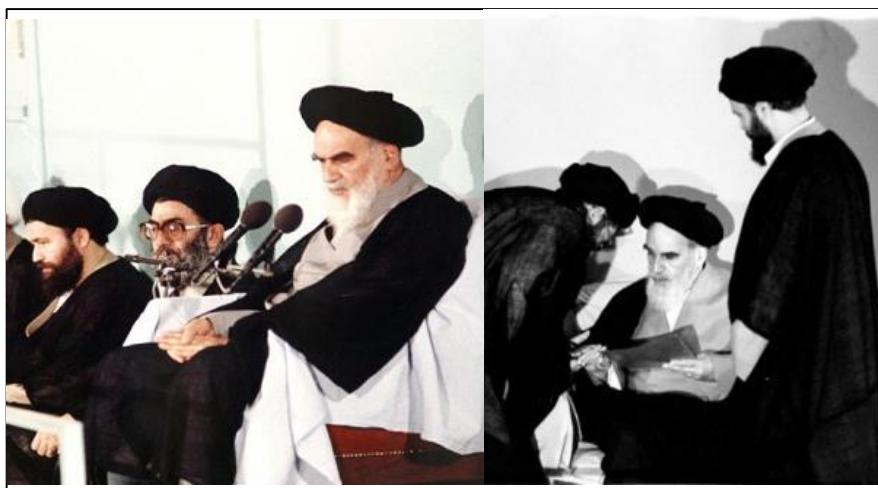
در تصاویر این دوره، ایشان با قامتی کاملاً صاف و زاویه نزدیک به ۹۰ درجه نشسته‌اند. نگاهشان متمرکز و چهره‌شان جدی است. دست‌ها اغلب به آرامی روی پاها قرار گرفته و بدن فاقد هرگونه حرکت اضافی است. ایشان مرکز ثقل فضا هستند و دیگران (حتی شخصیت‌های برجسته‌ای چون بازرگان یا هاشمی رفسنجانی) با حفظ فاصله رسمی در اطراف ایشان قرار گرفته‌اند.

این وضعیت بدنی را می‌توان به مثابه یک بیانیه غیرکلامی قدرتمند درک کرد؛ قامتی کاملاً عمود که حداکثر فضای عمودی را اشغال می‌کند، نه صرفاً یک حالت فیزیکی بلکه پیامی نمادین است. بر اساس نظریه حرکت‌شناسی بردویستل (بردویستل، ۱۹۷۰: ۳۶) و یافته‌های مربوط به ارتباط وضعیت بدن با برداشت

از قدرت (مهرابیان، ۱۹۷۲: ۲۴۱-۲۴۵)، چنین حالت‌هایی به‌طور ناخودآگاه نشانه‌هایی از کنترل، تسلط و اعتماد به‌نفس مطلق را به مخاطب القا می‌کنند. در دوره‌ای که هنوز هیچ نهاد قانونی مستقزی وجود نداشت، بدن رهبر خود به‌مثابه «نهاد قدرت» عمل می‌کرد. این صلابت فیزیکی، به‌صورت بصری به ملت و به بازیگران سیاسی داخلی و خارجی این پیام را مخابره می‌کرد که یک مرکز فرماندهی واحد، استوار و تزلزل‌ناپذیر وجود دارد. این همان تجلی «کاریزمای انقلابی شخصی» به تعبیر وبر است که در لحظه بحران، مشروعیت خود را از توانایی فردی رهبر برای ایجاد نظم می‌گیرد (وبر، ۱۹۷۸: ۲۴۱).

۲. اقتدار حکیمانه در دوره تثبیت (پس از استقرار نهادهای جمهوری اسلامی):

با گذشت زمان و استقرار نهادهای قانونی مانند ریاست جمهوری و مجلس، تغییری محسوس در زبان بدن ایشان در موقعیت‌های مشابه (مانند مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای) قابل مشاهده است. این تغییر را می‌توان به عنوان انتقال از «کاریزمای انقلابی» به «کاریزمای نهادینه شده»^۱ تفسیر کرد.



تصویر ۸: مراسم تنفیذ آیت الله خامنه‌ای توسط امام (ره)

در تصاویر این دوره، قامت کاملاً استوار دوره اول، جای خود را به حالتی آرام‌تر، با اندکی تکیه به عقب یا خمیدگی جزئی می‌دهد. در حالی که جایگاه ایشان همچنان در مرکز و بالاتر از دیگران است (مثلاً نشستن بر روی صندلی در حالی که دیگران روی زمین هستند)، اما دیگر نیازی به نمایش فیزیکی قدرت از طریق صلابت مطلق بدنی نیست. وضعیت بدن آرام‌تر و آسوده‌تر به نظر می‌رسد.

این تغییر ظریف، گذار از «اقتدار تأسیسی» به «اقتدار تثبیت‌شده» را بازنمایی می‌کند؛ وضعیتی که در آن بخشی از امور اجرایی به ساختارهای نهادی واگذار شده و نقش رهبری بیشتر در سطح نظارتی عالی و

1. Routinized Charisma

جهت‌دهی کلان تعریف می‌شود. همان‌گونه که وبر (۱۹۷۸: ۲۴۱-۲۵۴) در بحث «اقتدار کاریزماتیک» توضیح می‌دهد و گافمن (۱۹۵۹: ۸۴) در چارچوب مفاهیم «چهره» و «نقش» تبیین می‌کند، این تواضع وضعی نه نشانه ضعف، بلکه نشانه اوج قدرت است؛ قدرتی که دیگر نیازی به اثبات خود از طریق نمایش فیزیکی ندارد، زیرا مشروعیت آن در ساختار نظام و ذهن جمعی تثبیت شده است. چنین «اقتدار آسوده»‌ای مرتبه‌ای بالاتر از قدرت را عرضه می‌کند؛ مرتبه‌ای که از اطمینان به کارآمدی نهادهای مشروع برمی‌خیزد و بدن رهبر را از ابزار «تأسیس قدرت» به نماد «تضمین و مشروعیت‌بخشی» ارتقاء می‌دهد و بر وجه معنوی و پدرسالارانه رهبری تأکید می‌گذارد.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت، تحلیل دیدارهای رسمی حکومتی نشان می‌دهد که وجه «جلالی» کاریزمای امام خمینی(ره) یک الگوی ثابت و تک‌بعدی نبود. این اقتدار، هوشمندانه خود را با شرایط سیاسی تطبیق می‌داد؛ در دوره بحران، به شکل اقتداری قاطع و بنیان‌گذار برای ایجاد نظم متجلی می‌شد و پس از تثبیت، به شکل اقتداری حکیمانه و ناظر برای تضمین ثبات و مشروعیت‌بخشی به نظام تغییر ماهیت می‌داد. این دوگانگی، عمق استراتژیک زبان بدن ایشان را به‌عنوان یک رهبر کاریزماتیک به تصویر می‌کشد.

(د) در عرصه رسانه: ترکیب راهبردی اقتدار و گشودگی (نمونه: مصاحبه با خبرنگاران خارجی)

چهارمین عرصه کلیدی برای تحلیل زبان بدن مقتدرانه امام(ره)، مواجهه ایشان با رسانه‌ها و خبرنگاران خارجی، به‌ویژه در ماه‌های منتهی به انقلاب است. این دوره از منظر ارتباطی بسیار حیاتی بود، زیرا شخصیت و اهداف رهبر یک انقلاب نوظهور برای اولین بار از طریق رسانه‌های جهانی به دنیا معرفی می‌شد. در این موقعیت، زبان بدن نمی‌توانست صرفاً قاطعانه (چون هدف، انتقال پیام و اقناع بود) یا صرفاً صمیمانه (چون نیاز به حفظ جایگاه و اعتبار بود) باشد. بنابراین، الگوی به‌کار رفته، یک ترکیب هوشمندانه از اقتدار بنیادین و نوعی گشودگی کنترل‌شده بود.



تصویر ۹: مصاحبه امام با رسانه‌های خارجی

بدنه اصلی و شالوده رفتار غیرکلامی ایشان در این مصاحبه‌ها همان الگوی اقتدار بود: چهره‌ای متفکر و جدی، نگاهی نافذ (نگاه به پایین و گاهی مستقیم در چشم خبرنگار) که نشان از تسلط کامل بر موضوع داشت، و بدنی آرام و باوقار با حداقل حرکات اضافی که اعتماد به نفس و آرامش درونی را در برابر دوربین‌ها و نگاه‌های کنجکاو خبرنگاران به نمایش می‌گذاشت. چنین آمیزه‌ای از وقار حرکتی و کنترل حسی، بر اساس تحلیل‌های اکمن و فریزن (۱۹۷۵: ۱۵-۱۳) و بورگون و همکاران (۲۰۱۶: ۱۴۸)، به کلمات وزن و اعتباری مضاعف می‌بخشد و این پیام را به مخاطب جهانی منتقل می‌کند که با یک رهبر اندیشمند و مصمم روبه‌رو هستند، نه یک پوپولیست هیجان‌زده.

با این حال، بر این شالوده مقتدرانه، عناصری از گشودگی به‌صورت هوشمندانه افزوده می‌شد. در لابه‌لای جدیت، تبسمی کوتاه و بسیار ظریف نیز در برخی مصاحبه‌ها دیده می‌شد. این لبخندها، که به‌زعم اکمن و فریزن (۱۹۷۵: ۲۴۳-۲۴۵) بیشتر کارکردی تنظیمی در تعاملات دارند تا ابراز هیجان کامل، ابزار ارتباطی مؤثری برای مدیریت فضای گفت‌وگو بودند؛ مثلاً در ابتدای خوشامدگویی یا برای کاهش تنش احتمالی در فضا. این «گشودگی کنترل‌شده» به خبرنگاران اجازه می‌داد احساس راحتی نسبی کنند و در عین حال حریم و جایگاه رهبری حفظ شود. همان‌طور که در خاطرات اورینا فالاجی نیز آمده است، این دوگانگی مجذوب‌کننده بود: «آیت‌الله خمینی (ره) اول ساکت مرا نگاه کرد، بعد سایه لبخندی پیدا شد و بعد قشنگ خندید...» او در ادامه می‌گوید تصویرش از امام چیزی شبیه به مجسمه میکل آنژ است. همچنین در جای

دیگر بیان می‌کند: «خمینی خوش قیافه‌ترین پیرمردی بود که در عمرم دیده‌ام. زمین تا آسمان با دیگر رهبران خاورمیانه مثل قذافی و عرفات که مثل عروسک‌های خیمه شب بازی بودند فرق داشت. خمینی چیزی مثل پاپ یا یک سلطان مقتدر بود، یک رهبر واقعی. مردم ایران بیش از اندازه او را دوست داشتند. در حد یک پیامبر، یا از آن بالاتر، در اندازه یک خدا» (پرتال امام خمینی، ۲۰۲۲/۰۹/۲۴).

در نهایت، این ترکیب هوشمندانه، تصویری از «قدرت آرام»^۱ را به جهان ارائه داد. در دنیای پرآشوب رسانه که خبرنگاران به دنبال یافتن نقاط ضعف و برانگیختن واکنش‌های احساسی هستند، آرامش و طمأنینه امام(ره) خود یک بیانیه قدرت بود. این زبان بدن نشان می‌داد که ایشان تحت تأثیر فشارها یا سوالات چالش‌برانگیز قرار نمی‌گیرند و کنترل کامل اوضاع را در دست دارند. این نمونه به وضوح نشان می‌دهد که امام خمینی(ره) یک ارتباط‌گر ماهر بودند که می‌توانستند زبان بدن خود را متناسب با حساس‌ترین موقعیت‌های رسانه‌ای تنظیم کنند و با ترکیب استادانه اقتدار و گشودگی، تصویری پیچیده، کاریزماتیک و معتبر از خود و انقلاب اسلامی به جهان ارائه دهند.

الگوی دوم: کاریزمای مبتنی بر رأفت و صمیمیت (وجه جمالی)

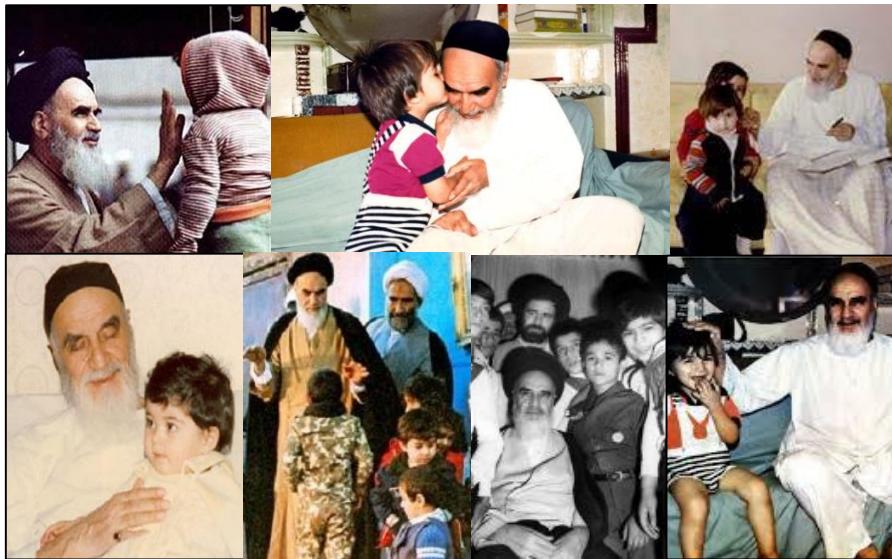
در تضاد با الگوی صلابت و اقتدار، وجه «جمالی» کاریزمای امام خمینی(ره) قرار دارد که تصویر کلیشه‌ای رهبر سیاسی خشک را شکسته و ابعاد انسانی و عاطفی شخصیت ایشان را برجسته می‌سازد. این الگو که می‌توان آن را «رأفت کاریزماتیک» نامید، بر پایه صمیمیت، کاهش فاصله‌های اجتماعی و ایجاد پیوند عاطفی عمیق استوار است.

این رأفت از سه اصل اصلی نشئت می‌گرفت:

۱. شکستن فاصله‌ها (پروکسمیک صمیمانه): مطابق تحلیل هال (۱۹۶۶)، ورود هدفمند به فضای شخصی مخاطب، حس نزدیکی روان‌شناختی و اعتماد را تقویت می‌کند. امام با کاهش فاصله فیزیکی، پیام غیرکلامی پذیرش و امنیت را منتقل می‌کردند.
 ۲. ابراز عواطف چهره‌ای و نگاهی: بر اساس نظریه اکمن و فریزن (۱۹۷۵)، چهره مهم‌ترین کانال نمایش هیجان است. «نمایشگرهای عاطفی» مانند لبخند دوشن (لبخندی که عضلات اطراف چشم را درگیر می‌کند) پیام شادی و محبت واقعی را می‌رساند. نگاه نیز در این حالت از نافذ و قاطع به نرم و پذیرا تغییر می‌یافت.
 ۳. تماس فیزیکی: طبق یافته‌های بورگون و همکاران (۲۰۱۶)، تماس‌های ملایم مانند نوازش سر کودک یا گرفتن دست، موانع روانی را شکسته و پیوندی عاطفی و فوری ایجاد می‌کنند.
- تحلیل تجلی این اصول در سه بستر کلیدی (تعامل با کودکان، مواجهه با عموم مردم و هم‌پیمانان) ابعاد این الگو را روشن‌تر می‌سازد.

الف) در تعامل با کودکان: تجلی ناب محبت

یکی از برجسته‌ترین و مستندترین جنبه‌های زبان بدن امام(ره)، در مواجهه با کودکان نمایان می‌شود. این تعاملات، ناب‌ترین شکل از هوش عاطفی و گشودگی ارتباطی را به نمایش می‌گذارند.



تصویر ۱۰: برخورد و رفتار امام(ره) با کودکان

در تصاویر فوق، تقریباً الگوی ثابتی مشاهده می‌شود. چهره امام(ره) سرشار از لبخندی گرم و گشاده است که عضلات کل صورت، به‌ویژه اطراف چشم‌ها را درگیر کرده و حسی از شادی و محبت خالص را منتقل می‌کند. ایشان در مقابل کودکان خردسال بدن خود را خم می‌کنند تا هم سطح کودک شوند یا کودک را در سطح خود قرار می‌دهند. فاصله فیزیکی به صفر می‌رسد و حریم شخصی کاملاً برداشته می‌شود. کنش‌های غالب عبارتند از: در آغوش کشیدن، بوسیدن، و مهم‌تر از همه، ژست «دست نوازش» که در آن کف دست به آرامی روی سر یا صورت کودک قرار می‌گیرد. نگاه ایشان، حتی در میان انبوه جمعیت، سرشار از عطوفت و توجه کامل و متمرکز به کودک است.

از منظر روان‌شناسی ارتباطی و نظریه کاریزما، این زبان بدن حامل کارکردهایی چندوجهی است که بر تجربه ادراکی مخاطب اثر مستقیم می‌گذارد:

- شکستن نمادین سلسله‌مراتب قدرت: خم شدن برای هم‌سطح شدن با یک کودک، از نظر پروکسمیک (هال، ۱۹۶۶: ۱۰۷-۱۲۴) فاصله قدرت را کاهش می‌دهد و طبق چارچوب گافمن (۱۹۵۹: ۸۴-۸۸)، «صحنه تعامل» را بازتعریف می‌کند. این حرکت به‌صورت بصری اعلام می‌دارد که در قلمرو روابط انسانی و عاطفی، مراتب رسمی قدرت رنگ باخته و رهبر در برابر معصومیت کودک، خود را خلع سلاح می‌کند.

• ایجاد کهن‌الگوی «پدربزرگ مهربان»: این رفتارها، چهره مقتدر رهبر را با کهن‌الگوی جهانی «پدربزرگ حامی» پیوند می‌زنند. این الگو، طبق نظریه کاریزمای وبر (۱۹۸۷: ۱۴۱-۱۵۴)، اعتماد و همبستگی عاطفی با توده‌ها را تقویت کرده و رهبر را از یک چهره صرفاً سیاسی به یک مرجع عاطفی و عضوی از «خانواده نمادین» ملت ارتقاء می‌دهد.

• ترجمه عملی رأفت اسلامی: ابراز محبت به کودکان، بازنمایی عینی اصل رحمت در آموزه‌های اسلامی است. این رفتار، مشابه سیره پیامبر اکرم(ص) است که در حدیث «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَم» (حرّعاملی، ۱۹۸۸: ۴۸۵/۲۱) بر آن تأکید شده است. طبق تحلیل اکمن و فریزن (۱۹۷۵: ۲۴۳)، این «نمایشگرهای عاطفی»، مفاهیم انتزاعی مانند عطوفت را به زبان رفتار روزمره ترجمه کرده و این پیام را منتقل می‌کنند که در قلب این رهبری، لطافت و محبت جایگاهی بنیادین دارد.

(ب) در مواجهه با عموم مردم: احترام، پذیرش و درهم‌شکستن حریم‌ها
الگوی صمیمیت در تعامل با جوانان و مردم عادی نیز تداوم می‌یابد، هرچند فرم آن متناسب با موقعیت تغییر می‌کند. امام (ره) در اغلب دیدارها، فاصله فیزیکی خود را با مردم به حداقل می‌رساندند و آگاهانه اجازه می‌دادند آنها وارد حریم شخصی^۱ و گاهی حتی حریم صمیمی^۲ شوند.



تصویر ۱۱: امام در جمع اقشار مردم

1. Personal Zone

2. Intimate Zone

تصاویر دیدارهای عمومی امام خمینی(ره) این الگو را به وضوح نشان می‌دهند. در تصویری که دستان مردم به سوی ایشان دراز شده، امام(ره) نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه بدن خود را به جلو متمایل کرده و دستانشان را در یک کنش «پذیرش فعال»^۱ برای تماس با مردم دراز می‌کند. این یک «پذیرش فعال» تماس فیزیکی است. در تصاویری دیگر ایشان در مرکز صحنه با حالتی پذیرا و آرام نشسته‌اند. چهره گشاده و نگاه مستقیم و محترمانه ایشان به افراد، حس توجه و شنیده شدن را القا می‌کند. این الگوی رفتاری از طریق سه مؤلفه تحلیلی قابل درک است:

۱. **کاهش فعالانه فاصله قدرت:**^۲ به حداقل رساندن فاصله فیزیکی و استقبال از تماس بدنی، یک راهبرد غیرکلامی قدرتمند برای کاهش فاصله روانی و اجتماعی میان رهبر و مردم است. این عمل، حس اعتماد، برابری و «یکی بودن» را به شکلی ملموس تقویت می‌کند و با تصویر حاکمان منزوی و دور از دسترس در تضاد کامل قرار دارد.

۲. **گوش دادن فعال و اعتباربخشی به فرد:** توجه کامل به صحبت‌های مردم عادی و نگاه مستقیم، بر اساس تحلیل گافمن (۱۹۵۹: ۸۶) این پیام را منتقل می‌کند که «صدای شما شنیده می‌شود و برای من اهمیت دارد». این رفتار، به افراد حس ارزشمندی و مشارکت می‌بخشد و آن‌ها را از یک توده بی‌شکل، به افرادی صاحب هویت و نظر تبدیل می‌کند.

۳. **ایجاد پیوند عاطفی جمعی:** این تعاملات صمیمانه، صرفاً یک رابطه دوجانبه نبود. این کنش‌ها در حضور دیگران و از طریق قاب دوربین رسانه‌ها، به یک «الگوی رفتاری عمومی» تبدیل می‌شد که پیوند عاطفی کل جامعه با رهبری را بازتولید و تقویت می‌کرد. هر فرد با دیدن این تصاویر، خود را در جایگاه آن فردی می‌دید که مورد محبت و توجه رهبر قرار گرفته است.

در نهایت، الگوی تعامل مردمی امام خمینی(ره) یک استراتژی ارتباطی کارآمد برای تبدیل «اقتدار سیاسی» به «نفوذ قلبی» بود. ایشان با استفاده ماهرانه از زبان بدن صمیمانه - از طریق شکستن حریم‌ها، تماس فیزیکی، لبخندهای گرم و گوش دادن فعال - توانستند فاصله‌های مرسوم میان حاکمان و مردم را از میان بردارند و رابطه‌ای مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل بنا نهند. این «رأفت کاریزماتیک»، وجه مکمل «اقتدار کاریزماتیک» ایشان بود و یکی از پایه‌های اصلی پایداری و نفوذ اجتماعی عمیق رهبری ایشان را تشکیل می‌داد.

ج) خوش‌رویی راهبردی و صمیمیت گزینشی (نمونه: دیدار با یاسر عرفات)

در نقطه مقابل الگوی «اقتدار متصلب» که در برابر نمایندگان ابرقدرت‌ها به کار گرفته می‌شد، الگوی دیگری از زبان بدن امام(ره) در تعاملات دیپلماتیک با رهبران جنبش‌های آزادیبخش و هم‌پیمانان ایدئولوژیک مشاهده می‌شود. این الگو بر «خوش‌رویی راهبردی»، «نمایش رأفت و صمیمیت» و «حمایت نمادین»

1. active acceptance

2. Power Distance

استوار بود. هدف در اینجا نه مرزبندی قاطع، بلکه ایجاد پیوند، تقویت روحیه و نمایش همدلی بود. بارزترین نمونه این الگو، در دیدار با یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین، قابل مشاهده است.



تصویر ۱۲: ملاقات یاسر عرفات با امام(ره)

برخلاف چهره جدی و متمرکز در دیدار با شواردنادزه، در این تصاویر چهره امام(ره) مزین به لبخندی گرم و آشکار است. این لبخند، یک تبسم کنترل‌شده دیپلماتیک نیست، بلکه گشاده‌رویی کاملی را نشان می‌دهد که عضلات صورت، به ویژه دور چشم‌ها را درگیر می‌کند. همزمان، فاصله فیزیکی به حداقل رسیده و وارد حریم صمیمی^۱ شده است. امام(ره) دست عرفات را به گرمی در دست گرفته‌اند و در برخی تصاویر، دستانشان در هم گره خورده است. این تماس فیزیکی که در الگوی اول کاملاً غایب بود، در اینجا به عنصر اصلی تعامل بدل می‌شود. نگاه ایشان نیز مستقیم و ملایم است و حس اعتماد و آرامش را به مخاطب منتقل می‌کند.

این زبان بدن صمیمانه، کارکردهای استراتژیک مشخصی در عرصه دیپلماسی انقلاب داشت:

۱. تقویت پیوند با هم‌پیمانان: انقلاب اسلامی از ابتدا آرمان فلسطین را یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی خود تعریف کرد. زبان بدن گرم امام(ره)، ترجمه غیرکلامی این سیاست بود. در آغوش کشیدن و دست گرفتن عرفات، به معنای در آغوش کشیدن آرمان فلسطین و ارسال پیامی روشن به جهان اسلام مبنی بر حمایت قاطع ایران بود.

۲. نمایش وجه رحمانی کاریزما: شخصیت کاریزماتیک امام(ره) دارای دو وجه «جلال» (اقتدار) و «جمال» (رافت) بود. اگر دیدار با شواردنادزه نمایش وجه جلالی بود، دیدار با عرفات، تجلی وجه جمالی آن

1. Intimate Zone

بود. این انعطاف‌پذیری نشان می‌داد که رهبری ایشان تک‌بعدی نیست و می‌تواند بسته به زمینه و مخاطب، چهره‌ای متفاوت از خود به نمایش بگذارد.

۳. ایجاد دلگرمی و حمایت روانی: یاسر عرفات و مبارزان فلسطینی در آن دوران تحت فشارهای شدید قرار داشتند. زبان بدن امام(ره) فراتر از یک پروتکل، کارکردی روانی داشت. لبخند و تماس فیزیکی ایشان، نوعی حمایت پدانه و انتقال انرژی مثبت بود که به رهبر یک جنبش مبارزاتی، دلگرمی و مشروعیت می‌بخشید و این پیام را منتقل می‌کرد که «شما تنها نیستید».

در مجموع، الگوی «خوش‌رویی راهبردی» نشان می‌دهد که زبان بدن امام(ره) ابزاری هوشمندانه و منعطف بود. ایشان به خوبی می‌دانستند که در برابر یک ابرقدرت باید با صلابت و عدم تماس، «مرز» و «استقلال» را ترسیم کنند و در برابر یک هم‌پیمان مبارز، باید با لبخند و تماس فیزیکی، «پیوند» و «حمایت» را به نمایش بگذارند. این دوگانگی، عمق هوشمندی ارتباطی و تسلط ایشان بر ابزارهای دیپلماسی غیرکلامی را آشکار می‌سازد. از منظر اسلامی، این کیفیت ارتباطی را می‌توان در چارچوب آیه‌ی شریفه «أَشْدَاءُ عَلَى الْكَافِرِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) تبیین کرد. این آیه تصویری دوگانه از مؤمنان می‌سازد: صلابت و قاطعیت در برابر دشمنان، و مهر و رأفت در روابط درون‌گروهی.

الگوی سوم: خشوع در ساحت فردی؛ تجلی «عبودیت» در زبان بدن

تحلیل دو الگوی پیشین، یک پرسش اساسی را مطرح می‌کند: چگونه یک شخصیت می‌تواند همزمان تجلی اقتدار تزلزل‌ناپذیر (وجه جلالی) و رأفت و صمیمیت بی‌کران (وجه جمالی) باشد؟ این پرسش مستقیماً به یکی از عمیق‌ترین مفاهیم عرفان اسلامی و خداشناسی اشاره دارد: خداوند متعال، «جامع الاضداد» است. او هم «قَهَّار» و «جَبَّار» است و هم «رَحْمَن» و «رَحِيم». انسان کامل، به‌عنوان خلیفه و آینه صفات الهی، کسی است که بتواند پرتویی از این جامعیت را در وجود خود منعکس کند. امام خمینی(ره) به‌عنوان یک عارف سالک، مصداقی از این قاعده بود. اگر «اقتدار» وجه بیرونی و «رأفت» وجه تعاملی کاریزمای امام(ره) بود، سومین و عمیق‌ترین وجه آن در ساحت فردی و در لحظات عبادت و تفکر متجلی می‌شد: خشوع و عبودیت محض. این وجه، نه تنها مکمل دو وجه دیگر است، بلکه بر اساس جهان‌بینی توحیدی، منبع و سرچشمه اصلی اقتدار و رأفت ایشان به‌شمار می‌رود.

آموزه‌های دینی این ارتباط را تأیید می‌کنند. قرآن کریم استقامت در مسیر بندگی را سرچشمه شجاعت و نترسیدن معرفی می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا... أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (فصلت، ۳۰). همچنین، حدیث قدسی «أَطِيعَنِي... أَجْعَلَكَ تَقُولُ لِشَيْءٍ كُنْ فَيَكُونُ» (بحار الأنوار، ۱۹۸۳، ج ۹۰: ۳۷۶)، قدرت معنوی را نتیجه اطاعت از خداوند می‌داند. به همین ترتیب، رأفت و مهربانی نیز ثمره ارتباط با خداست؛ چنانکه قرآن نرم‌خویی پیامبر(ص) را «رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ» معرفی می‌کند (آل عمران، ۱۵۹) و حدیث قدسی دیگری بیان می‌کند که با تقرب بنده به خدا، اعضا و جوارح او الهی شده و جز با مهر و رحمت عمل نمی‌کنند (دیلمی، ۱۹۹۱، ج ۱: ۹۱).



تصویر ۱۳: امام در حال نماز و عبادت و حالت‌های عمومی

تحلیل زبان بدن امام در این بستر، نشان‌دهنده یک «گذار» کامل از جایگاه رهبری به جایگاه بندگی است که پیام تسلیم و تواضع را مخابره می‌کند و در اجزای زیر قابل مشاهده است:

- نگاه و سر: مهم‌ترین نشانه، پایین انداختن نگاه و خم کردن سر به پایین بود. برخلاف نگاه نافذ در موقعیت‌های سیاسی، در اینجا نگاه به‌طور کامل از محیط منصرف شده و به نقطه سجده دوخته می‌شد. این کنش، که پیروی از سنت نبوی است (طبرسی، ۲۰۰۵: ۱۲)، یک «قطع ارتباط» نمادین با مظاهر قدرت دنیوی و تمرکز مطلق بر امر متعالی بود. این نوع نگاه، معانی عمیقی چون حیا در برابر خدا، وقار، تمرکز و احترام به حریم دیگران را در بر داشت.

- بدن و استقرار: قامت در عین صاف بودن (که نشانه ادب در نماز است)، فاقد هرگونه نشانه قدرت‌نمایی بود. شانه‌ها رها و بدن در حالتی از سکون و طمأنینه کامل قرار داشت. این سکون، با سکون مقتدرانه پیش از سخنرانی تفاوت ماهوی داشت؛ آن سکون برای تولید اقتدار بود، اما این سکون برای تجربه فنا و عبودیت بود.

- چهره: سیمای امام در لحظات عبادت، بازتابی آشکار از «حزن عارفانه» بود؛ حزن که نه از اندوه دنیوی، بلکه از ادراک ژرف عظمت الهی برمی‌خاست. صلابت چهره در موقعیت‌های رهبری، در مقام نیایش جای خود را به آرامش و تسلیم مطلق می‌داد. در برخی تصاویر و خاطرات، قطرات اشک به عنوان یک «نمایشگر عاطفی» قدرتمند، اوج این خشوع قلبی را به تصویر می‌کشید. این گریه‌ها که در عبادات شبانه ایشان پایدار بود (رودسری، ۲۰۱۵: ۲۲۵)، پیام غیرکلامی روشنی از جهان‌بینی امام، یعنی فانی نفس در برابر جلال خداوند، را به مخاطب منتقل می‌کرد.

تحلیل نشانه‌شناختی زبان بدن عبادی امام خمینی(ره)، فراتر از توصیف یک حالت، کلید فهم دوگانه‌های شخصیتی و منبع قدرت ایشان است.

- منبع قدرت آرام: خشوع درونی و اتکای مطلق به خداوند، همان «قدرت آرام» ایشان را توضیح می‌دهد. اعتماد به نفس و شجاعت امام در برابر ابرقدرت‌ها، نه از اتکا به خود، بلکه از اتصال به قدرتی بی‌پایان نشئت می‌گرفت که در آیه «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲) تبیین شده است. در واقع، زبان بدن عبادی، صحنه بازتولید و «شارژ» این منبع قدرت بود. به همین دلیل ایشان در برابر غیر خدا، مظهر عزت (تبری) و در برابر خدا، مظهر تسلیم محض بودند.
- تکمیل‌کننده الگوی زهد: رفتار ساده‌زیستانه امام(ره) در این تحلیل، ریشه ایدئولوژیک خود را می‌یابد. زبان بدن عبادی، تجسم عملی بی‌اعتنایی به دنیا و تعلقات مادی است و نشان می‌دهد که زهد ایشان یک نمایش سیاسی یا ریاضت صرف نبوده، بلکه بازتاب طبیعی یک جهان‌بینی عمیقاً معنوی بوده است. در جمع‌بندی، وجه عبادی شخصیت امام، که در زبان بدن ایشان به شکل «خشوع» کامل بازنمایی می‌شود، هسته مرکزی تحلیل شخصیت ایشان است. این وجه تبیین می‌کند که چگونه یک فرد می‌تواند همزمان «مقتدرترین» مرد در عرصه سیاست و «متواضع‌ترین» بنده در پیشگاه معبود باشد و نشان می‌دهد که اقتدار بیرونی و رأفت اجتماعی ایشان، بر شالوده محکم عبودیت و ارتباط معنوی درونی بنا شده بود.

تحلیل یافته‌های کمی

تحلیل کیفی انجام‌شده در بخش‌های پیشین، الگوهای محوری زبان بدن امام خمینی(ره) را آشکار ساخت. در ادامه، برای ارائه یک شمای کلی از میزان تکرار این الگوها، یک تحلیل کمی نیز ارائه می‌شود. باید توجه داشت که تصاویر، «لحظات ثبت‌شده» هستند و تحلیل کمی آن‌ها، نه به‌عنوان یک اثبات قطعی، بلکه به‌مثابه یک «مؤید آماری» برای یافته‌های کیفی و برای نشان دادن تصویری کلی از بسامد الگوها ارائه می‌گردد. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۳۰۰ تصویر به‌صورت تصادفی از سه آرشیو معتبر «پایگاه اطلاع‌رسانی جماران»، «پرتال امام خمینی(ره)» و «موسسه مطالعات ایران معاصر» انتخاب و کدگذاری شد.

جدول ۲: توزیع فراوانی الگوهای زبان بدن در نمونه ۳۰۰ تایی تصاویر

ردیف	الگو/مؤلفه	نشانه‌های کلیدی	موقعیت غالب	تعداد (از ۳۰۰)	فراوانی (درصد)
۱	خشوع و حیای برخاسته از حضور	نگاه رو به پایین، وقار و آرامش بدنی، پرهیز از خیره شدن	(حالت پایه) اکثر موقعیت‌ها، به‌ویژه حالات فردی و عبادی	۱۶۵	۵۵٪
۲	اقتدار و صلابت	نگاه نافذ و مستقیم، قامت استوار، ابروهای منقبض، تمرکز، اعتماد به نفس	(حالت موقعیتی ۱) رسمی، سیاسی، دیپلماتیک و سخنرانی‌ها	۱۰۵	۳۵٪

۳	خوش‌رویی و گشودگی عاطفی	لبخند گرم، چهره گشاده و پذیرا تماس دست با دیگران	(حالت موقعیتی ۲) بسیار زمینه‌مند؛ عمدتاً در تعامل با کودکان و خانواده	۳۶	٪۱۲
۴	نزدیکی فیزیکی (پروکسمیک)	کاهش فاصله با مخاطب (ورود به حریم شخصی و صمیمی)	(رفتار همپوشان) تقریباً تمام تعاملات اجتماعی و مردمی	۲۷۵	٪۹۲

این جدول، سه حالت اصلی و عمدتاً متمایز از هم را در زبان بدن ایشان، در کنار یک رفتار فراگیر، نشان می‌دهد. داده‌ها به وضوح تأیید می‌کنند که «خشوع و حیا» با ۵۵ درصد فراوانی، حالت پایه و غالب زبان بدن ایشان بوده است؛ رفتاری که از احساس حضور دائمی در محضر خداوند نشأت گرفته و به عنوان پیش‌فرض در اکثر موقعیت‌ها عمل می‌کرد. در مقابل این حالت پایه، دو الگوی موقعیتی اصلی وجود داشت: «اقتدار و صلابت» با ۳۵ درصد فراوانی، ابزار قدرتمند ایشان برای مدیریت موقعیت‌های رسمی و سیاسی بود.

نکته مهم در تفسیر فراوانی ۱۲ درصدی خوش‌روی است. این درصد پایین به معنای عدم گشودگی عاطفی ایشان نیست، بلکه نشان‌دهنده ماهیت بسیار زمینه‌مند آن است. برای مثال، اگر نمونه آماری صرفاً به تصاویر خانوادگی محدود می‌شد، این نسبت می‌توانست تا حدود ۹۰ درصد افزایش یابد. بنابراین، این عدد، خاص بودن این الگو را در برابر عمومیت الگوهای دیگر تأیید می‌کند.

در نهایت، فراوانی بسیار بالای نزدیکی فیزیکی با ۹۲ درصد به عنوان یک رفتار همپوشان، مؤید اصلی سیره مردمی ایشان است؛ این رفتار ثابت نشان می‌دهد که ایشان چه در حالت اقتدار، چه خشوع و چه خوش‌رویی، همواره فاصله فیزیکی خود را با مردم حفظ نمی‌کردند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف خوانشی چندوجهی از شخصیت امام خمینی(ره) از منظر زبان بدن، به تحلیل نظام‌مند نشانه‌های غیرکلامی ایشان با استفاده از رویکردی ترکیبی (کیفی-کمی) پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که «سلطه کاریزماتیک» (ماکس وبر) ایشان، یک کیفیت ثابت و تک‌بعدی نبود، بلکه یک نظام ارتباطی پویا بود که از طریق مجموعه‌ای پیچیده از کنش‌های غیرکلامی، خود را متناسب با زمینه‌های مختلف بازتولید می‌کرد.

تحلیل حاضر نشان داد که این کاریزما از طریق دو وجه اصلی و مکمل، تجلی می‌یافت. وجه جلالی (اقتدار) از طریق حرکت‌شناسی قدرت - شامل قامت استوار، نگاه نافذ و استفاده از ژست‌های دست به عنوان «تصویرگر» برای تأکید بر پیام‌های سیاسی - نمود می‌یافت. در مقابل، وجه جمالی (رأفت) به شکلی قدرتمند

از طریق به کارگیری «پروکسمیک» به نمایش گذاشته می‌شد؛ چنان که فراوانی ۹۲ درصدی «نزدیکی فیزیکی» در تعاملات اجتماعی، به صورت آماری سیره مردمی و عدم وجود فاصله میان ایشان و مردم را اثبات می‌کند. این نزدیکی فیزیکی با استفاده زمینه‌مند از «نمایشگرهای عاطفی» مانند تبسم‌های گرم تکمیل می‌شد.

مهم‌ترین یافته این پژوهش، شناسایی یک حالت پایه مبتنی بر «خشوع و حیا» (با فراوانی ۵۵ درصدی) بود که به عنوان لنگرگاه معنوی این دوگانگی عمل می‌کرد. این بستر بنیادین که ریشه در جهان‌بینی توحیدی داشت، توضیح می‌دهد که چگونه کاریزمای ایشان می‌توانست همزمان مقتدرانه و صمیمانه باشد، بدون آنکه دچار تناقض شود.

در یک جمع‌بندی نهایی، این پژوهش نشان می‌دهد که زبان بدن امام خمینی(ره) ترجمه عملی شخصیت‌شان بود. کاریزمای ایشان نه یک ویژگی تک‌بعدی، بلکه حاصل ترکیبی هوشمندانه از سه وجه بود: خشوع در برابر حق، که به ایشان اقتدار در برابر قدرتمندان و توانایی حفظ پیوند مردمی را می‌بخشید. این مطالعه به درک ما از رهبری کاریزماتیک می‌افزاید و نشان می‌دهد که کاریزما نه یک موهبت صرف، بلکه یک «اجرای» پیچیده و معنادار است که از طریق دستور زبان غیر کلامی بدن، روایت، قدرت و صمیمیت را به صورت همزمان تولید و به مخاطبان منتقل می‌کند.

References

- Amouri, Jaafar and Atashi, Abdulreza (2017). “An Investigation of the Conceptual-Rhetorical Implications of Eye Language in Nahj al-Balagha”, *Islamic Texts Literary Studies*, Vol. 2, No. 6: 145-161. (In Persian)
- Bagheri Khalili, Ali Akbar and Zolistan, Marziyeh (2015). “Political Analysis of Body Language in Beyhaqi History”, *Literary Text Research*, Vol. 19, No.65: 79 -99. (In Persian)
- Birdwhistell, R. L. (1970). *Kinesics and Context: Essays on Body Motion Communication*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press.
- Burgoon, J. K., Guerrero, L. K. and Floyd, K. (2016). *Nonverbal Communication*. 2nd ed., New York, NY: Routledge.
- Daylami, Hasan bin Muhammad (1991). *Irshad al-Qulub ila al-Sawab*, Vol. 1, Qom: Al-Sharif al-Radi. (In Persian)
- Ekman, P. and Friesen, W. V. (1969). “The Repertoire of Nonverbal Behavior: Categories, Origins, Usage, and Coding”, *Semiotica*, Vol. 1, No. 1: 49–98.
- Ekman, P. and Friesen, W. V. (1971). “Constants across Cultures in the Face and Emotion”, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 17, No. 2: 124–129.
- Ekman, P. and Friesen, W. V. (1975). *Unmasking the Face: A Guide to Recognizing Emotions from Facial Clues*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

- Goffman, E. (1969). *Behavior in Public Places: Notes on the Social Organization of Gatherings*. New York, NY: Free Press.
- Goman, C. K. (2008). *The Nonverbal Advantage: Secrets and Science of Body Language at Work*. San Francisco, CA: Berrett-Koehler.
- Hall, E. T. (1966). *The Hidden Dimension*. Garden City, NY: Doubleday.
- Hall, J. A., Coats, E. J. and LeBeau, L. S. (2005). “Nonverbal Behavior and the Vertical Dimension of Social Relations: A Meta-Analysis”, *Psychological Bulletin*, Vol. 131, No 6: 898–924.
- Hasani, Gholamreza and Ziaei, Fatima (2020). *Characteristics of the Book Kings inside the Painting (An Investigation of the Images of Qajar Kings in Paintings with a Body Language Analysis Approach)*, Tehran: Kelk-e Simin. (In Persian)
- Hurr al-Amili, Muhammad bin Hasan (1688). *Wasa'il al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Sharia*, Vol. 21, Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. (In Persian)
- Imam Khomeini Portal (2023). “Fallaci's Interesting Narrative of the Meeting with Imam Khomeini; Khomeini is the Most Handsome Old Man I Have Ever Seen!”. (In Persian)
- Imam Khomeini Portal (2023). “What Happened in the Meeting Between Imam and Shevardnadze? A Different Narrative of Shevardnadze about the Imam”, Retrieved from: <http://www.imam-khomeini.ir> (In Persian)
- Iran Oral History (2025). “Shevardnadze, Former Soviet Foreign Minister, and Memories of Meeting with Imam Khomeini (RA)”, retrieved from: <https://oral-history.ir/print.php?id=1515> (In Persian)
- Knapp, M. L., Hall, J. A. and Horgan, T. G. (2014). *Nonverbal Communication in Human Interaction*. 8th ed., Boston, MA: Cengage Learning.
- Kuhnke, Elizabeth (2015). *Body Language*, Translation: Maryam Hedayati, Tehran: Avand-e Danesh. (In Persian)
- Lewis, David (2001). *Body Language*, Translation: Jalinoos Karami, Mashhad: Mehr. (In Persian)
- Mehrabian, A. (1972). *Nonverbal Communication*. Chicago, IL: Aldine-Atherton.
- Mohammadi, Reza and Ghafrani, Reza (2021). “Body Language Analysis of Martyr Seyyed Asadollah Madani (With an Emphasis on His Photos on the Website of the Institute for Iranian Contemporary Historical Studies)”, *Journal of Revolution Studies*, Vol. 11, No. 39: 139-156. (In Persian)
- Morris, D. (1994). *Body Talk: A World Guide to Gestures*. London: Jonathan Cape.
- Pease, Allan (2016). *Body Language*, Translation: Masoud Rahimi, Tehran: Golpa. (In Persian)
- Rajaei, Gholamali (2013). *Perceptions of the Biography of Imam Khomeini (S)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Richmond, Virginia P. (2008). *Nonverbal Behavior*, Translation: Fatima Mousavi, Tehran: Danzhe. (In Persian)
- Roudsari, Hossein (2015). *A Ray from the Sun: Memories from the Life of Hazrat Imam Khomeini (S)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)

-
- Shahidi Razavi, Atiyeh and Hasani, Gholamreza (2017). “Analysis of the Performance of Body Language in the Transmission of Visual Concepts, Based on the Faces of the Photos of Qajar Kings”, *Art Research*, Vol. 7, No. 14: 35-44. (In Persian)
 - Tabarsi, Hasan bin Fadl (2005). *Makarim al-Akhlaq*, Qom: Tebyan Cultural and Informational Institute. (In Persian)
 - Weber, M. (1978). *Economy and Society: An Outline of Interpretative Sociology*, Eds. & Trans: G. Roth & C. Wittich, Berkeley, CA: University of California Press.
 - Zanganeh, Saeedeh (1999). *Body Language*, Tehran: Janan. (In Persian)